



موضع متفاوت اردوغان درخصوص ایران و پیام‌های پیدا و پنهان کشورهای عربی نشان از فهم بهتر از تهدید اسرائیل در منطقه دارد

خوش آمدی آرکاداش



زهرّا طبیبی خبرنگار گروه سیاست

همان روزهایی که صهیونیست‌ها با طرح‌ریزی آمریکا، پروژه تضعیف و خلع سلاح محور مقاومت را پیش می‌بردند و همزمان برای تجزیه خاک سوریه و فعال کردن شکاف‌های قومی در حال لیدری بودند، مقامات ایران در سفرهای منطقه‌ای به مقامات کشورهای غرب آسیا، کلان پروژه صهیونیستی – آمریکایی را گوشزد می‌کردند. مقامات ایران می‌گفتند که گام برداشتن برای تضعیف مقاومت ابتدای ماجراست و تنها به این مرحله محدود نخواهند ماند، بلکه هدف تغییر کل جغرافیای سیاسی غرب آسیا به گونه‌ای است که رژیم صهیونیستی تبدیل به قدرتی هژمون شود و برای این مسیر، کشورهای منطقه باید کوچک و تضعیف شوند.

مقامات این کشورها اما به مرور با این واقعیت روبه‌رو شدند. آن‌هم زمانی که پروژه آمریکایی برای ناآرام کردن خیابان‌های ایران و سوریه‌سازی ایران به میدان آمد، آن زمان بود که کشورهای منطقه متوجه این واقعیت شدند که مسئله تنها حمایت از محور مقاومت نخواهد بود، بلکه اصل ماجرا، تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه است. نموده‌ای این تغییر رفتار را شاید بتوان در اظهار نظر اخیر رئیس جمهور محافظه‌کار ترکیه دید. او در واکنش به اتفاقات اخیر در ایران گفت: «همسایه ما ایران بعد از حملات اسرائیل با چالش جدیدی روبه‌رو شده که صلح و ثبات اجتماعی کشور را هدف قرار داده است.» فهم این گزاره که ایران این بار با جنگی علیه ثبات اجتماعی روبه‌رو است زنگ خطر را برای دیگر کشورهایی که این پتانسیل را دارند که اسرائیل با آن‌ها وارد تنش شود یا پروژه‌هایی را علیه امنیت و تمامیت ارضی آن‌ها ایجاد کنند، به صدا در آورده است.

چرا کشورهای منطقه نگران جنگ علیه ایران شدند؟

«متحندان کلیدی آمریکا در منطقه از جمله عربستان سعودی، قطر، مصر و رژیم صهیونیستی به ترامپ درباره هرگونه حمله هشدار دادند. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی هم در تماس تلفنی با ترامپ در مورد احتمال حمله آمریکا به ایران ابراز نگرانی کرد.» واشنگتن پست در بخشی از گزارشی که در مورد علل عقب‌نشینی ترامپ از حمله به ایران منتشر کرده بود به این موضوع اشاره کرد. پیش از این، سی‌ان‌ا هم به نقل از یکی از مقام‌های کشورهای

ادامه از صفحه یک

این تهدید رژیم صهیونیستی را وادار به احتیاط بیشتر کرده و منجر به تماس‌های مکرر نتانیا‌هو با ترامپ شده است.

در روزهای اخیر نتانیا‌هو دو بار با ترامپ تماس گرفته تا بر به تعویق انداختن هرگونه طرح حمله نظامی به ایران تأکید کند. نیویورک تایمز مدعی شده است که دلیل این درخواست ترس از عدم آمادگی و تولید ناکافی سامانه‌های رهگیر برای مقابله با واکنش ایران است. همچنین شبکه ان‌بی‌سی آمریکا به نقل از منابع مطلع گزارش داده که مقامات صهیونیستی به دولت ترامپ گفته‌اند اعتقادی به سرنگونی حاکمیت ایران از طریق حملات ندارند. این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده تردیدهای عمیق در مورد اثربخشی اقدامات نظامی است.

رسانه‌های اسرائیلی از عدم آمادگی آمریکا می‌گویند

جنگ دوازده‌روزه با ایران، تأثیرات بلندمدتی بر سیاست‌های ایالات متحده گذاشته و منجر به عقب‌نشینی احتمالی ترامپ از تصمیم به تهاجم نظامی شده است. مهم‌ترین دلیل این تغییر، موفقیت ایران در وادار کردن آمریکا و رژیم صهیونیستی به عقب‌نشینی بوده که پیامدهای تشدید تنش را برای طرفین روشن کرده است. ترامپ که پیش‌تر گزینه‌های نظامی را بررسی می‌کرد اکنون با عدم اطمینان روبه‌رو است. رسانه صهیونیستی اسرائیل هیوم گزارش داده است که ترامپ از گزینه‌های ارائه‌شده در خصوص ایران اطمینان ندارد و این عدم اطمینان ناشی از ترکیب دلایل، شرایط و پیام‌هایی است که به کاخ سفید رسیده است.

وبگاه ی‌دی‌عوت آحارانوت نیز تأکید کرده واشنگتن به این نتیجه رسیده که هزینه‌های احتمالی اقدام نظامی علیه ایران بسیار بیشتر از دستاوردهای استراتژیک آن است. این تحلیل‌ها جنگ دوازده‌روزه را به عنوان نقطه عطفی توصیف می‌کنند که رژیم صهیونیستی را با هزینه‌های سنگین روبه‌رو کرده و جامعه آن را از درگیری‌های بیشتر خسته کرده است. رامی ایگرا، مقام ارشد پیشین موساد در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی اعتراف کرد که جامعه رژیم صهیونیستی از جنگ خسته شده و جنگ دوازده‌روزه ثابت کرده رویایی با ایران پرهزیه است. این موارد عامل تعلیق دستورکار نظامی



منطقه به‌نفع صهیونیست‌ها برنامه‌ریزی کردند و اجرای هر طرح آن‌ها به معنای بازی در زمین آنهاست و تبعات منفی اجرای طرح‌های دستوری آمریکا، متوجه کل مردم منطقه خواهد شد. موضوعی که مرور زمان صحت آن را روشن کرد. سقوط سوریه و ورود نیروهای صهیونی به سوریه و قرار گرفتن آن در آستانه تجزیه، اثبات کرد که این طرح اسرائیل نه فقط برای کشورهای حامی محور مقاومت که برای همه کشورهای منطقه؛ تجزیه و کوچک‌سازی آنهاست. با این حال کشورهای منطقه بی‌توجه به این طرح‌ریزی، ترجیح دادند رویکرد محافظه‌کارانه‌س اتخاذکنند و تا جای ممکن از ورود به این تنش‌ها خودداری کنند؛ اما واقعیت میدان به مرور زمان روشن کرد که برخورد محافظه‌کارانه تنها راه را برای تحقق پروژه امنیتی آمریکا سهل می‌کند.

اتفاقات ایران، کشورهای منطقه را از خواب زمستانی بیدار کرد

اتفاقی که به مثابه شوکی برای کشورهای منطقه عمل کرد و آن‌ها را متوجه پروژه امنیتی که در منطقه در حال وقوع است کرد؛ جنگ تروریستی دی‌ماه در ایران بود. چند سالی می‌شود که پروژه تجزیه از جانب اتاق فکرهای صهیونی و آمریکایی و با هدف تغییر ژئوپلیتیک منطقه در حال وقوع است؛ اما ماهیت واقعی برنامه آمریکا علیه ایران خود را در دی‌ماه به جهان نشان داد و اثبات کرد که پای یک طرح‌ریزی برای از میان بردن ثبات سیاسی، اجتماعی در منطقه در میان است. این نقطه را شاید بتوان، مرز تعیین شرایط سیاسی، اجتماعی در منطقه دانست. امری که نشان می‌داد، پس از ایران نوبت آنان است تا شرایط برای تبدیل رژیم صهیونی به قدرتی هژمون در منطقه فراهم شود.

پروژه تجزیه ایران، زنگ خطری برای کل منطقه

در همین راستا ابراز نگرانی و ممانعت کشورها برای شروع جنگ علیه ایران را باید ناشی از همین آگاهی دیر هنگام دانست. روشن است که این کشورها، ایرانی قوی نمی‌خواهند؛ اما تجزیه ایران شروع مشکلات زیادی برای این کشورهاست و در واقع، تمامیت ارضی و امنیت سرزمینی آن‌ها را نیز تهدید می‌کند. ورود تمام قوای آمریکا و اسرائیل برای تجزیه ایران اثبات کرد که پروژه امنیتی آمریکا در غرب آسیا، ایستادن روی گسل‌های قومی و اجتماعی کشورها برای کوچک‌کردن کشورها، تغییر ژئوپلیتیک منطقه و تبدیل کردن اسرائیل به قدرت مسلط منطقه برای حفظ نفوذ آمریکا در خاورمیانه است. تغییر ادبیات کشورهای منطقه در مورد تحولات ایران و

حاشیه خلیج فارس گفته بود که «قطر، عمان، عربستان سعودی و مصر از آمریکا خواسته‌اند، از حمله به ایران خودداری کند.» سسی‌ان‌ان در ادامه نوشت که «این کشورها نسبت به خطرات امنیتی و اقتصادی که این حمله می‌تواند برای منطقه و البته آمریکا داشته باشند، هشدار داده‌اند.» ابراز نگرانی

کشورهای منطقه از حمله احتمالی به ایران از چند زاویه مورد توجه است: ۱ از آنجا که در عمده این کشورها که متحد آمریکا در منطقه به شمار می‌روند، پایگاه‌های آمریکایی مستقرند، با در نظر گرفتن تجربه جنگ ۱۲ روزه، شروع هر جنگی علیه ایران به معنای درگیر شدن کل منطقه است؛ چراکه ایران پیش از این در مورد هر حمله و تهدید نظامی این هشدار را داده بود. بر این اساس طبیعی است که این کشورها خواهان وارد شدن به بحران نظامی تازه‌ای در منطقه نباشند و از وقوع احتمالی آن ابراز نگرانی کنند.

۲ روشن است که در صورت درگیری آمریکا با ایران، این نزاع علاوه بر آنکه پای خلیج فارس را هم وسط خواهد آورد، تبعات اقتصادی قابل توجهی برای کشورهای منطقه خواهد داشت و در این فقره کشورهای حاشیه خلیج فارس هم نمی‌خواهند درگیر بحران تازه اقتصادی شوند.

۳ شاید یکی از مهم‌ترین علل ابراز نگرانی و ممانعت از شروع جنگی تازه مشخصاً در مورد کشورهایی مثل قطر، ترکیه و عربستان را بتوان، نگرانی از سرنوشت ثبات سیاسی و جغرافیایی آن‌ها در منطقه دانست. کشورهایی از جمله ترکیه و عربستان در حال حاضر پتانسیل تهدید مرزها و برهم خوردن ثبات سیاسی و امنیت سرزمینی‌شان را دارند. نگاهی به تحولات ایران که در ادامه آن طرح‌ریزی حمله آمریکا به ایران رخ داد، این نگرانی را در آن‌ها ایجاد کرد که هدف بعدی پروژه آمریکایی – صهیونی در منطقه تهدید امنیت مرزی و ثبات سیاسی آن‌ها در منطقه باشد، به همین خاطر نگرانی و ممانعت آن‌ها از حمله به ایران، صرفاً نگرانی برای ایران نیست، بلکه در واقعیت این کشورها نگران موقعیت خودشان در منطقه هستند.

ایران از طرح‌ریزی پروژه امنیتی برای منطقه خبر داده بود

در روزهایی که دولت لبنان در حال اجرای طرح آمریکایی علیه نیروهای حزب‌الله برای خلع سلاح کامل آن‌ها بود، مقامات ایران در پیام‌ها و دیدار با مقامات دولت لبنان به این موضوع اشاره کرده‌که آمریکایی‌ها برای تغییر شرایط

نتانیا‌هو در موقعیت حساس کنونی



تماس تلفنی با رویو در مورد گنجاندن قطر و ترکیه در شورای مشاوران غزه ابراز تردید کرد. نتانیا‌هو در این تماس ابراز تردید کرد که تصمیم به‌منظور اعلام تشکیل شورای صلح برای اسرائیل غافلگیرکننده بوده است. رویو در مقابل پاسخ منفی به نتانیا‌هو داده و خطاب به او گفته است: «هیچ راه برگشتی برای گنجاندن قطر و ترکیه در شورای مشاوران وجود ندارد و این تصمیم گرفته شده است.»

پیش‌تر نیز آکسیوس به نقل از یک منبع ناشناس افشا کرده بود که دولت ایالات متحده قصد ندارد به مخالفت‌های نتانیا‌هو توجهی نشان دهد. این منبع تصریح کرده است: «اگر نتانیا‌هو می‌خواهد ما در پرنده غزه فعال بمانیم، باید از روش ما پیروی کند. ما از او عبور کرده‌ایم و وارد جدل نخواهیم شد. هر طرف مسیر خود را می‌رود؛ اما او در عمل نمی‌تواند مانع کار ما شود.» این مقام همچنین ادعا کرده است که نتانیا‌هو با وجود تردید درباره موفقیت طرح «از محتوای آن بدش نمی‌آید» موضعی که به‌معنای رضایت ضمنی نخست‌وزیر اسرائیل و تلاش او برای نشان دادن ظاهری انتقادی جهت گریز از فشارهای داخلی است.



ایستادن کنار ایران را نیز باید در همین راستا تحلیل کرد که اتفاقات ایران به مثابه آینه‌ای شفاف مقابل آنان قرار دارد و این کشورها خودشان را به این اتفاقات نزدیک می‌بینند، به همین منظور گزینه مطلوب آن‌ها این است که ایران از این تندباد به سلامت عبور کند؛ چراکه در حال حاضر گروهک‌های تجزیه‌طلبی در منطقه وجود دارد که میدان پیدا کردن آن‌ها جغرافیای کل منطقه را دستخوش تغییر خواهد کرد و تمامیت ارضی گروهک‌های فعال در این کشورها را تهدید خواهد کرد.

اظهار نظر تازه‌ای از اردو‌غسان، رئیس‌جمهور ترکیه در مورد اتفاقات ایران مطرح کرده نیز در همین راستا قابل فهم است. او در بخشی از صحبت‌های اخیرش با اشاره به اینکه ایران با فتنه‌ای ناجوانمردانه روبه‌رو است، گفت: «ما باور داریم که برادران دینی‌مان با سیاستی سنجیده و هوشمندانه که گفت‌وگو و دیپلماسی را اولویت قرار می‌دهد، از این روند خائنانه و شوم عبور خواهند کرد.» اظهارات اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در مورد تحولات ایران این گزاره را اثبات کرد که به مرور در حال فهم پروژه‌ای هستند که در خاور میانه در حال اجراست و طبعاً نمی‌خواهند این اتفاق برای آنان نیز رخ دهد.

موضع‌گیری دیپلماتیک لازم است نه کافی

فهم اینکه آمریکایی‌ها در حال اجرای چه پروژه‌ای در منطقه هستند، امری لازم اما ناکافی است. سکوت و انفعال از جانب کشورهای منطقه می‌تواند همان بلایی را بر سر این منطقه بیاورد که پیش از این در پایان جنگ جهانی دوم رخ داد. آمریکا در این موقعیت برای حفظ قدرت خود نیاز به اعمال تغییر در مناسبات جهانی دارد و در این زمین اسرائیل هم بردی صد‌صدی به دست خواهد آورد. مواجهه مؤثر با این پروژه صهیونی تنها با ابراز نگرانی و اتخاذ مواضع سیاسی و دیپلماتیک رفع نخواهد شد. اگر کشورهای منطقه در رفتارهای خود در سطوح مختلف با رژیم صهیونی تجدیدنظر نکنند و تغییر رویه ندهند، تغییر ژئوپلیتیک منطقه آن‌ها را وادار به تغییر رفتار سیاسی‌شان در منطقه مخصوصاً در نسبت با اسرائیل خواهد کرد. به همین منظور فهم ابعاد این پروژه صهیونی این فرصت را ایجاد کرده که کشورهای منطقه با ایستادن روی تهدیدات مشترک در منطقه در کنار یکدیگر برای مواجهه با این بحران که دیر یا زود دامن‌گیر آن‌ها خواهد شد، چاره‌جویی کنند. البته تحقق این نیز بسته به محاسبات این کشورها می‌تواند تغییر کند. اگر آنان همچنان به جلب حمایت آمریکا و حفاظت از منافع ادامه دهند، پروژه خطا به زبان همه کشورهای منطقه ادامه پیدا خواهد کرد.



یائیر لاپید، یکی از مخالفان اصلی نتانیا‌هو، حضور ترکیه و قطر را تهدیدی برای امنیت رژیم صهیونیستی دانسته و با اشاره به مواضع آن‌ها نسبت به حماس و اخوان‌المسلمین، گفته این همان چیزی نیست که سرایان رژیم صهیونیستی دو سال برایش جنگیدند. لاپید پیشنهاد داده مصر به مدت پانزده سال اداره غزه را بر عهده بگیرد. این واکنش‌ها، نشان‌دهنده نگرانی رژیم صهیونیستی بابت از دست دادن کنترل سیاسی بر غزه و تلاش برای مدیریت اختلافات با واشنگتن در سطح علنی است.

بحران داخلی اسرائیل وخشم عمومی علیه نتانیا‌هو

فحنای تنش‌آمیز ناشی از طرح‌های آمریکایی، بحران سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی را تشدید کرده و اعتراضات را به خیابان‌های تل‌آویو کشانده است. چند ماهی است که اعتراضات گسترده‌ای در سرزمین‌های اشغالی جریان دارد و برخورد پلیس با معترضان شدت گرفته است. ریشه این اعتراضات به تجمعات دو ماه پیش بازمی‌گردد.

در سوم آذر، تجمع بزرگی در میدان حیما در تل‌آویو برگزار شد که معترضان خواهان تشکیل کمیته تحقیق رسمی و مستقل برای مشخص کردن مقصران شکست هفتم اکتبر بودند. شبکه سیزده تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد این مراسم با حضور چهره‌های برجسته اپوزیسیون مانند یائیر لاپید، نفتالی بنت، بنی گانتز، یائیر گولان و گادی آیزنکوت برگزار شد. در این تظاهرات، اعضای خانواده گروه‌بان نتا‌یارام که در غزه کشته شده بود سخنرانی کرده و سیاست‌های نتانیا‌هو را به شدت نقد کردند. آن‌ها با طرح پرسشی در مورد کشته‌شدن هزاران سرباز و غیرنظامی، خواستار شفافیت و مسئولیت‌پذیری کابینه شدند.

شورای اکتبر، نهاد رهبری‌کننده این تظاهرات در بیانیه‌ای اعلام کرد: «درحالی‌که کابینه با انگیزه‌های سیاسی تلاش می‌کند کمیت‌های برای تیرنه خود ایجاد کند مردم رژیم صهیونیستی دسته‌دسته بیرون می‌آیند تا نشان دهند خط قرمز آن‌ها نقض شده است.» این اعتراضات که دو سال پس از عملیات طوفان الاقصی همچنان ادامه دارد، نشان‌دهنده وحشت و ناراضیاتی گسترده شهرک‌نشینان و شهروندان از مدیریت بحران و ناکامی‌های امنیتی دولت نتانیا‌هو است و او را با چالش‌های سیاسی و اجتماعی جدی مواجه کرده است.